



یزدی‌ها و گذار به تجارت جدید

صفحه ۷

برای آینده‌ای روشن

مهتاب سلمان زاده: شاید دور از ذهن باشد که می‌توان به‌گونه‌ای سرمایه‌گذاری انجام داد که به واسطه آن سالی ۱۷ هزار میلیارد تومان در اقتصاد یک استان نقش آفرینی کرد! چگونه؟ با انجام پروژه‌های بهره‌وری که برای نخستین بار با عنوان "یزد بهره‌ور" در استان یزد تدوین و عملیاتی شد! در این راستا و در آینده‌ای نزدیک، ۱۲ پروژه پیشران که با سرمایه‌گذاری حدود ۳۲ هزار میلیارد تومان عملیاتی می‌شود، بیش از ۱۷ هزار میلیارد تومان در هر سال بازگشت منابع به همراه خواهد داشت؛ عدد قابل توجهی که موجب ذخیره ۱۲ هزار میلیارد تومانی منابع می‌شود و حدود ۵ هزار میلیارد تومان راندمان تولید را افزایش می‌دهد. اگر این تعداد پروژه‌های استان یزد را به کل کشور تعمیم دهیم، به اندازه ۳ درصد GDP کل کشور، توانایی ایجاد ارزش افزوده دارد و این همان شگفتی‌ست که می‌تواند به عنوان بهره‌وری اقتصاد رقم بخورد. در ادامه صحبت‌های جعفر رحمانی معاون آمار و برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان درباره موضوع بهره‌وری و فعالیت‌هایی که در قالب پروژه "یزد بهره‌ور" در راستای افزایش بهره‌وری در استان یزد صورت گرفته است را می‌خوانید:

موضوع بهره‌وری به جهت تأثیرش در رشد اقتصادی، مدت زمان زیادی است که در دستور کار کشور قرار دارد، اما به دلیل عدم شناخت کافی از اولویت‌ها و توهم ارتقاء بهره‌وری در همه بخش‌ها و مسائل پیش رو، اتفاق خاصی در این زمینه رخ نداده است. رشد اقتصادی در دو صورت رخ می‌دهد؛ نخست اینکه میزان سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه افزایش یابد و یا با اقداماتی از محل بهره‌وری به رشد اقتصادی دست یافت. در همین راستا سال ۱۴۰۱ برنامه "یزد بهره‌ور" به عنوان یک برنامه تحولی در استان تدوین شد و برای اولین بار یک استان در کشور اعلام کرد که در زمینه بهره‌وری یک تعداد برنامه‌ی پیشران مبتنی بر مهم‌ترین مسائل شناسایی شده گردآوری کرده است. هم‌زمان با این طرح، پیشنهاد شد کنفرانس بهره‌وری در یزد برگزار شود و در روز دوم کنفرانس، برنامه یزد بهره‌ور برای حاضران ارائه شد. سرانجام نیز این برنامه نهایی و به تایید سازمان ملی بهره‌وری رسید.

پیش از ارائه این طرح، سازمان ملی بهره‌وری سعی می‌کرد تمام اقدامات دستگاه‌ها را به صورت پروژه‌های بهره‌وری در نظر بگیرد اما پس از آنکه این طرح ارائه شد به این نتیجه رسیدند که در برنامه‌ریزی در حوزه بهره‌وری باید مهم‌ترین مسائل منجر به بی‌بهره‌وری شناسایی و برای حل آن‌ها پروژه‌های پیشران تعریف شود.

ادامه در صفحه ۸



حتی ایمن‌ترین معادن کشور مستعد حوادث مخرب هستند

در میانه بیم و امید

صفحه ۷



چرا سهم صنعت نساجی در بازار داخلی و خارجی در حال آب رفتن است؟

دولت، سناریونویسی ناتوانی صنعت نساجی

صفحه ۷

در این شماره می‌خوانید



محمد رضا بهرام
رئیس خانه معدن ایران

تجهیزات شناسایی گازهای سمی در معدن طبعاً استفاده شده بود اما سوال اصلی این است که چرانتوانستیم این شناخت و منبع‌گاز را به صورت کامل داشته باشیم تا شاهد این حادثه غمبار نباشیم؟ آن هم درحالی‌که این معدن معیار معدنکاری مهندسی در کشور است.



مجیدی دستمالچیان
رئیس اتاق بازرگانی یزد

قاجاق بی‌رویه نخ و پارچه آفت صنعت نساجی است. به صورت بی‌رویه پارچه‌هایی به کشور وارد می‌شود که قیمت تمام شده و واقعی آن مشخص نیست که بتوان عوارض گمرکی آن را به دست آورد و به نوعی با بد اظهاری واردات آن صورت می‌گیرد.



محسن نیکزاد
عضو هیئت مدیره انجمن تخصصی نساجی یزد

توان رقابت، اصلی‌ترین معیار حضور در بازار فوق رقابتی جهانی است که با افزایش قیمت تمام شده‌ی کالا امکان پذیر نخواهد بود.



محمد حسین دهقانی
مدیرعامل شرکت معادن بافق (معدن کوشک)

در معدن کاری باستانی از قناری برای شناسایی بوی گاز استخراج شده در معادن کمک می‌گرفتند. معمولاً گازهای معادن زغال سنگ بو ندارد اما قناری آن را استشمام می‌کرد و با پر و بال زدن معدنکاران را از خطر مطلع می‌کرد.



علی فرشادپور
رئیس کمیسیون بازرگانی داخلی و واردات اتاق بازرگانی یزد

سیاست‌ها در موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات درست نیست. تعیین نرخ روی ارز صادرکننده، آن را از حالت تنظیم‌کنندگی خارج کرده و حالت دستوری به آن داده است.



علیرضا فرخ‌نیا
عضو انجمن تخصصی نساجی استان یزد

متأسفانه رنگ خطر برای صنعت نساجی به صدا درآمده و این اتفاق از آنچه در آینده دیده می‌شود نزدیک‌تر است. یک صنعتگر در ایران برای واردات ماشین‌آلات خط تولید باید هشت ماه تا یک سال در صف اختصاص ارز منتظر بماند که ارز نیمایی دریافت کند در صورتیکه صنعتگران نساجی در همین کشور همسایه یعنی ترکیه هیچکدام از این مشکلات را ندارند.



محمد امین طاقه‌باف
مدیرایمنی شرکت صنعتی و معدنی شهداب یزد

وظیفه نهادهای نظارتی در ابلاغ نامه‌ها و آیین‌نامه‌های ایمنی محدود شده است و هیچ نظارتی برای آگاهی از اجرای این آیین‌نامه‌ها صورت نمی‌گیرد. این نهادها به گزارش نماینده ایمنی پیمانکار، بسنده می‌کنند.

حتی ایمن ترین معادن کشور مستعد حوادث مخرب هستند

در میانه ییم و امید



فرزین محمدی؛ حادثه طیس زنگ خطری است برای معادن ایران که به روزرسانی تجهیزات را با جدیت بیشتری پیگیری کنند. باوجود اینکه معدن زغال سنگ طیس از یک تیم ایمنی پیشرفته و کارشناسی بهره می برد، شاهد کشته شدن ۵۲ کارگر معدن بود. عامل انفجار وجود یک مخزن گاز متان شناسایی دیگر شاهد جان باختن کارگرانی که از پایین ترین دهک‌های کشور هستند، نباشد؟

فرزین محمدی، مدیرعامل شرکت معادن ایران، در جریان بازدید از معدن زغال سنگ طیس در استان گلستان، در جریان بازدید از معدن زغال سنگ طیس در استان گلستان، در جریان بازدید از معدن زغال سنگ طیس در استان گلستان، در جریان بازدید از معدن زغال سنگ طیس در استان گلستان.

انگشت اتهام به سمت کیست؟

باوجود تاریخی که صنعت معدن کشور در معدنکاوی دارد، همچنان شاهد حوادثی است که خسارات جانی و مالی قابل توجهی بر جای می‌گذارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد عدم به‌روزرسانی تجهیزات ایمنی و آموزش صحیح از جمله دلایل سربال حوادث معدنی است. این درحالی است که می‌توان انگشت اتهام را به سوی برخی نهادهای بالادستی صنعت معدن نیز گرفت زیرا آنگونه که خبرنگار «صنعت‌پژد» جويا شده است گاهی طولانی مدت صورت می‌گیرد. همچنین تکیه نهادهای بالادستی به مسئول ایمنی معادن که عملا حقوق بگیر و کارمند معدن دار است یکی دیگر از اشتباهات نظام ایمنی معادن است. به همین دلیل برخی از کارشناسان وجود شرکت‌های معدنی که صرفا در حوزه ایمنی فعالیت کنند و نظارت منظم از معادن داشته باشند را به‌عنوان حلقه مفقوده صنعت معدن می‌دانند. البته در آن سوی میز کارشناسانی معتقدند که حقوق دولتی که معدن‌داران به دولت پرداخت می‌کند باید در قالب آموزش‌های رایگان پرسنل معادن و تسهیل دسترسی به تجهیزات به‌روز ایمنی معدنی به‌صنعت معدن باگردد که این اتفاق نمی‌افتد. سوال اساسی این است که پس از جان باختن ۵۲ کارگر در حادثه اخیر فایده در متهم کردن نهادهای بالادستی و پایین‌دستی یا بخش دولتی و خصوصی چیست؟

مورود حوادث معدنی اخیر

اگر حادثه معدن زغال سنگ بورت در آزادشهر استان گلستان به‌عنوان غم‌انگیزترین حادثه معدنی معرفی شود سخن به‌گرافی گفته نشده است. در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ انفجار در این معدن زمستانی باعث شد ۴۳ کارگر و مهندس در تونل‌های زیرزمینی گرفتار شوند و تلاش نیروهای امدادی به دلیل بسته بودن ورودی معدن به نتیجه نرسید. محل حادثه بن بست بود و تنها یکی راه خروجی تعبیه شده بود بنابراین راه تنفس کارگران در عمق ۱۳۰۰ متری زمین بسته شده بود. در شب اول حادثه با ورود امدادگران به عمق ۸۰۰ متری تعدادی از کارگران خارج شدند و تاروز ۲۵ جسد از آوار این معدن خارج شد. سرانجام ۶ روز بعد در ۱۹ اردیبهشت ابتدا هفت جسد و ساعاتی بعد جسد آخرین مفقودی کشف شد. انفجار معدن «باب‌نیوز» در شهرستان زند استان کرمان یکی دیگر از حوادث معدنی سال‌های اخیر است. کارگران در تونل‌های زیرزمینی معدن حبس شده بودند و به دلیل انفجار گاز داخل معدن، امید به نجات کارگران به کلی از بین رفت. جمع شدن و عدم تخلیه گاز متان به‌عنوان دلیل انفجار معدن اعلام شد. در این حادثه ۱۲ معدنچی جان خود را از دست دادند. این درحالی است که همین معدن شاهد حادثه دیگری در اوایل دهه ۸۰ بود و جان ۹ کارگر گرفته شد.

حادثه ریزش معدن منگنز در استان قم یکی دیگر از

حوادث معدنی است که در آن یک کارگر به نام «عدالت شیری» که راننده لودر بود جان خود را از دست داد.

حادثه بعدی متعلق به پال شمالی معدن طیس در سال ۱۳۹۱ است که براساس انفجار گاز رخ داد. در این حادثه نیز ۸ کارگر کشته شدند. مخلوط شدن گاز متان و اکسیژن به‌عنوان دلیل انفجار معدن اعلام شد.

حادثه بعدی متعلق به معدن اشکلی هجذک استان کرمان است. در ریزش تونل شماره یک این معدن، ۵ کارگر در عمق ۶۰۰ متری زمین گرفتار شدند اما عملیات نجات به علت ریزش شدید حدود بیشتر از ۱۱۰ روز طول کشید و هیچ‌کدام از کارگران زنده از این حادثه خارج نشدند.

آخرین حادثه معدنی متعلق به حادثه معدن زغال سنگ طیس است که در آخرین روز شهریورماه رخ داد. براساس اطلاعات منتشرشده دلیل حادثه انفجار ناشی از نشت گاز این معدن بوده است و ۶۵ نفر در تونل‌های زیرزمینی این معدن حبس شدند. این انفجار ۵۲ کشته و ۱۶ زخمی در پی داشت. این درحالی است که به‌گفته رئیس خانه معدن ایران معدن «معدن‌جو» طیس جزو ایمن‌ترین معادن زیرزمینی کشور بوده است. محمدرضا بهرامن رئیس خانه معدن ایران در گفتگوی ویژه خبری عامل اصلی حادثه انفجار در معدن زغال‌سنگ «پروژه» طیس را نظام حکمرانی در بخش معادن دانست و گفت: این معدن با تیم مهندسی کارآموده‌ای فعالیت می‌کرده است اما متأسفانه دلیل حادثه عدم شناسایی مخزن گازی بود که در پشت لایه نازک سه‌سانتی مخفی بوده است. یکباره تخلیه شدن این گاز باعث انفجار و تخلیه اکسیژن تونلی شد که کارگران در آن مشغل به‌کار بودند.

به گفته رئیس خانه معدن ایران تجهیزات شناسایی گازه‌های سمی در این معدن استفاده شده بود اما سوال اصلی این است که «چرا نتوانستیم این شناخت و کمک گاز را به صورت کامل داشته باشیم تا شاهد این حادثه غمبار نباشیم؟ آن هم درحالی‌که این معدن معیار معدنکاری مهندسی در کشور بود. مقصر چه کسی است؟ مقصر فرد نیست، مقصر شاید آن نگاه و نظام حکمرانیی در بخش معدن باشد که ما باید شرایط مان را دائم به روزرسانی کنیم، نه آن معدن، تمام معادن کشور. امروز تمام معدن‌کاران ایران در عزا هستند.»

جای خالی آموزش

اینطور که پیداست فارغ از تدابیری که باید در خصوص افزایش امنیت معادن در نظر گرفته شود به‌گفته فعالان صنعتی و معدنی، با جای خالی آموزش و آگاهی هم روبرو هستیم.

حادثه بتواند در طی عملیات امداد زنده بماند. یا برای مثال معدنکاران باید لباس‌هایی بپوشند که ضد حریق باشد یا از ایلافی نباشد که با اصطکاک جرقه بزند و مستعد آتش‌سوزی باشد.

به‌گفته دهقانی بخش دوم ایمنی مربوط به تجهیزات است و «متأسفانه در کشور ما تجهیزات ایمنی و حفاظت فردی به‌روز نیست.»

آموزش تئوری کافی نیست

این فعال معدنی معتقد است که با روندی که هم‌اکنون در جریان است احتمالا تا چند سال آینده درخواست نیروی کار برای معادن زیرزمینی به صفر برسد؛ «تا پیش از این کارگران در آموزشکده‌هایی به آموزش برای کار در معادن می‌پرداختند اما متأسفانه این آموزشکده‌ها تعطیل شدند و افرادی که وارد بازار کار معدن می‌شوند صرفا به صورت تئوری آموزش دیده‌اند. بنابراین پرسنل بدون دانش عملی کافی وارد معدن می‌شود و این امر در کنار عدم تجهیز معادن باعث بروز حوادثی مانند معدن طیس می‌شود.»

دهقانی ادامه می‌دهد: تجهیزاتی مانند گازسنج یا لرزه‌نگار جزو وسایل لاینفک معادن است اما متأسفانه معادن بسیار اندکی از این تجهیزات استفاده می‌کنند. برای مثال در علم پزشکی دستگاه‌های ام‌آر‌آی پیشرفته‌ای تولید شده است که روند شناسایی عامل بیماری را سرعت می‌بخشد، در صنعت معدن هم این اتفاق رخ داده است و دستگاه‌های به‌روز زیادی تولید شده است که ریسک معدن‌کاری را به حداقل می‌رسانند اما به دلایل متعددی امکان استفاده از این تجهیزات وجود ندارد.

مدیرعامل شرکت معادن بافق (معدن کوشک) درباره دلیل استفاده نشدن از تجهیزات ایمنی می‌گوید: مشکل در ساختار صنعت معدن است. در گذشته شرکت‌های بزرگ مکانیزه متولی معدنکاری بودند و نظارت بر این شرکت‌ها به خوبی صورت می‌گرفت اما شرایط فرق کرده است. شرکت‌های کوچکی وارد صنعت معدن شدند که نه نظارت کاملی روی آن‌ها انجام می‌شود و نه امکان تجهیز همه این شرکت‌ها از سوی نهادهای بالادستی وجود دارد. سیاست واگذاری معادن به شکلی جلوگیری‌ک‌افراد غیرمتخصص هم وارد صنعت معدن شدند، شرکت‌هایی که در گذشته معدن‌کاری می‌کردند و تجربه داشتند، این روند در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی اوج گرفت و نتیجه‌ی اینگونه واگذاری هم‌اکنون درحال بروز است.

به عقیده دهقانی مشکل بعدی ناترازی درآمد و هزینه معدن است. «این ناترازی زمانی ایجاد می‌شود که درآمد حاصل از صادرات معادن با نرخ ارز نیمیلی صورت می‌گیرد اما نیازهای همان معدن باید با نرخ ارز آزاد تامین شود. این اختلاف بین درآمد و هزینه شرکت‌های معدنی درکنار افزایش هزینه‌های دولتی مانند مالیات باعث شده شرکت‌های معدنی آنگونه که باید توان هزینه در بخش‌های مهم‌تری مانند ایمنی را نداشته باشند.»

وی درباره نقش قوه قهریه نهادهای بالادستی برای نظارت بر فعالان معدنی نیز می‌گوید: قطعلا قوه قهریه نهادهای نظارتی تأثیرگذار است اما راه حل نیست. نهادهای بالادستی باید سیاست‌های پیشگیرانه را اتخاذ کنند که این امر با آموزش تئوری و عملی پرسنل و معدن‌داران صورت می‌گیرد. در کشورهای معدنی این نوع آموزش معمولا رایگان و در دسترس است اما این حلقه در نتیجه معدنی‌ما مفقود شده است. دسترسی آسان معدن‌داران به تجهیزات ایمنی دومین وظیفه نهادهای بالادستی است. اگر نهاد بالادستی معدن‌داران را در تجهیز معادن کمک و دسترسی ندادند، به دآوری بنده درصورتیکه این دو امکان فراهم بود و یک معدن ایمنی لازم را نداشت می‌توان از قوه قهریه برای متوقف کردن فعالیت آن معدن استفاده کرد وگرنه نتیجه مطلوبی نخواهد داشت.

به‌گفته دهقانی اختصاص بخشی از حقوق دولتی به تجهیز و آموزش پرسنل در قانون دیده شده است «اما اجرایی‌تری نسبت به معادن زیرزمینی دارد هم به وزارت صمت است. می‌توان به افزایش ضریب ایمنی معادن امیدوار بود. بخش خصوصی هم آماده است که در این خصوص بیشترین همکاری را با معدن‌داران داشته باشد. درحال حاضر حقوق دولتی از معدن‌دار اخذ می‌شود اما آنگونه که در قانون دیده

شده که این امر که از طریق وزارت صمت یا نظام مهندسی معادن در قالب تجهیزات ایمنی و آموزش به معدن برگردد رخ نمی‌دهد.»

این فعال معدنی درباره ضوابط قانونی معدن‌های زیرزمینی می‌گوید: مشکلی در قانون وجود ندارد و به‌نظرم به بازنگری ضوابط قانونی احتیاجی نیست. درخصوص ایمن کردن معادن باید سعی کرد با تکنولوژی‌های به‌روز دنیا سعی در کاهش خطرات معدن‌کاوی داشت. برای مثال در دنیا تبدیل معادن زیرزمینی به رویاز انجام می‌شود، امری که باعث می‌شود خطراتی مانند نشت گاز در معادن زیرزمینی عملا از بین برود اما برای این هدف به تجهیزات به‌روزی احتیاج است که در دسترس فعالان معدنی نیست.

ضعف ساختار نظارتی معادن

و اما محمدامین طاقه‌یاف مدیر ایمنی شرکت صنعتی و معدنی شهداب یزد در مورد حوادث معدن معتقد است: اسری که باعث شده حوادث معدن در کشورهای دیگر به حداقل برسد، جایگزینی تکنولوژی به جای انسان است. براساس تحقیقات صورت گرفته، عامل انسانی، اصلی‌ترین دلیل بروز حوادث معدنی است بنابراین با جایگزینی ماشین‌آلات خودران به جای عامل انسانی موفق شدند خسارت حوادث معدنی را به حداقل برسانند. با برنامه‌ای که برای ماشین‌آلات تعریف می‌کنند عملا بخش‌های بازگیری و باربرداری به صورت خودکار کار می‌کند و با حذف فاکتور انسانی خسارت حوادث را به حداقل رسیده است.

طاقه‌یاف درباره واردات ماشین‌آلات به‌روز معدنی می‌گوید: با توجه به شرایط تحریمی، واردات این ماشین‌آلات گران تمام می‌شود اما شرکت‌های دانش‌بنیانی در این بخش فعالیت می‌کنند و قراردادهایی هم در این خصوص برای تولید ماشین‌آلات خودران بسته شده است.

این کارشناس ایمنی درباره اهمیت ایمنی در قوانین و ضوابط معدنی نیز معتقد است: با توجه به ریسک بالایی که در برداشتی از معادن زیرزمینی نسبت به معادن روباز وجود دارد، مسلما قواعد و قوانین سخت‌گیرانه‌تری تعریف شده است اما امر نظارت در ساختار ایمنی معادن ایران بسیار کم‌رنگ است. اگر از سوی مراجع ذیصلاح نظارت مانند مرکز بهداشت و اداره کار، بر ایمنی معادن به صورت دقیق‌تری صورت گیرد به‌طور حتم پیمانکار ملزم به رفع ایرادات پرخطر می‌شود. برای مثال گاز موجود در معادن زیرزمینی که عامل حادثه معدن طیس نیز بود، یک عامل بسیار حیاتی است که با کوچکترین اختطار، پیمانکار موظف به رفع خطای ایمنی است. متأسفانه در نبود نظارت دقیق و ناآگاهی پیمانکار، باید منتظر چنین اتفاقاتی بود.

به‌گفته طاقه‌یاف وظیفه نهادهای نظارتی در ابلاغ نامه‌ها و آیین‌نامه‌های ایمنی محدود شده است و هیچ نظارتی هم برای آگاهی از اجرای این آیین‌نامه‌ها صورت نمی‌گیرد: «این نهادها به‌عنوان ناظر قدیمی برمی‌دارند و به گزارش نماینده ایمنی پیمانکار، بسنده می‌کنند درحالی‌که ناظر شرکت معدنی هم یکی از کارمندان معدن است که حقوق بگیر پیمانکارها است و برای اظهارنظر کارشناسی هیچ استقلالی ندارد.»

طاقه‌یاف درباره وجود شرکت‌های مستقل نظارتی در صنعت معدن می‌گوید: برای تأثیر مثبت این شرکت‌ها، استقلال مالی و قانونی از شرکت‌های معدنی لازم است. به بیان دیگر وجود صندوق‌هایی برای استقلال این شرکت‌ها و عدم وابستگی به شرکت‌های معدنی بسیار مهم است. ریشه این موضوع هم به خصوصی‌سازی کارشناسی شده برمی‌گردد، بخش خصوصی توان ایفای نقش نظارتی مستقل را دارد اما همانگونه که گفته شد باید تدبیری برای استقلال مالی این شرکت‌ها اندیشیده شود.

این کارشناس درباره تأثیر تحریم‌ها بر ایمن نبودن معادن اظهار می‌کند: تحریم صددرصد در نبود ماشین‌آلات به‌روز تأثیر دارد. برای مثال ایمنی معادن روباز که قوانین آسان‌تری نسبت به معادن زیرزمینی دارد هم به تحریم‌ها وابسته شده است و برای افزایش ایمنی معادن هزینه‌های غیرمنطقی روی دست شرکت معدنی می‌گذارد، در چنین شرایطی مسلما تامین ماشین‌آلات ایمنی معادن زیرزمینی که بسیار پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر است سخت‌تر می‌شود.

دیدگاه

لزوم سرمایه‌گذاری

برای خروج از معدنکاری سنتی

دبیر انجمن زغال سنگ ایران معتقد است که مهم‌ترین مشکل معادن زغال سنگ در کشور ما این است که به صورت سنتی کار می‌کنند و باید بتوان این معادن را از حالت سنتی خارج کرد که این امر نیازمند سرمایه‌گذاری است و با توجه حقوق بالای دولتی و سرکوب قیمت زغال سنگ در داخل، امکان این سرمایه‌گذاری برای این معادن وجود ندارد. سعید صمدی درباره پیشنهاد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره تعطیلی سه‌ماهه معدن پرخطر که بیشتر معادن زغال سنگ هستند، می‌گوید: تعطیلی معادن پرخطر به منظور ایمنی‌سازی همراه با صرفه اقتصادی نیست. برای ایمنی‌سازی معادن پرخطر باید بتوان سطح استاندارد تعریف کرد و این سطح را افزایش داد. استانداردها نیز با توجه به سطح فناوری تعریف می‌شوند.

او افزود: موضوع آن است که فرآیند مکانیزاسیون یک معدن فرآیندی زمان‌براست و نیاز به ۵ تا ۶ سال زمان دارد. اتفاقی که پس از حادثه زغال سنگ بیوت در استان گلستان در سال ۱۳۹۶ باید اتفاق می‌افتاد: هم‌اکنون نیز مهم این است که به سمت ایمنی‌سازی حرکت کنیم؛ چراکه باید به این موضوع توجه کرد که استخراج زغال‌سنگ برای کشور ما همراه با مزایای بالایی است، از یکسو صنایع از آن بهره می‌گیرند و از سوی دیگر، اشتغال‌زایی آن را نباید نادیده گرفت.

دبیر انجمن زغال سنگ ایران در پاسخ به این پرسش که ایمنی‌سازی معادن زغال‌سنگ در بلندمدت به چه میزان سرمایه‌گذاری نیاز دارد، بیان کرد: برای ایمنی‌سازی باید معادن را به سمت مکانیزه پیش برد. البته معدن مختلف، برحسب شرایط معدن، نوع مکانیزاسیون آن می‌تواند متفاوت باشد، مکانیزاسیون می‌تواند سبک، متوسط و کامل باشد؛ بنابراین می‌توان تخمین زد که به یک سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری طی ۵ تا ۶ سال نیاز باشد.

به‌گفته صمدی مکانیزاسیون معادن نیازمند یک بسته کامل شامل آموزش، نصب تجهیزات و هوشمندسازی معادن است.

نباید معادن را به‌دلیل ایمنی‌سازی تعطیل کرد

حسن حسینقلی رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های صنایع و معادن سرب و روی ایران نیز معتقد است که تعطیلی معادن به منظور ایمنی‌سازی نه امکان‌پذیر و نه صحیح است، چراکه ۱۰ هزار نیروی انسانی در این معادن مشغول به کار هستند.

حسینقلی در ادامه خاطرنشان کرد: یکی از مشکلات معدن زغال‌سنگ این است که قیمت زغال سنگ داخلی بسیاری پایین است. این در حالی است که به قیمت بسیار بالاتر زغال‌سنگ به کشور وارد می‌شود و نیازی به واردات هم نیست. وی در ادامه با تأکید بر این موضوع که نباید معادن را به‌دلیل ایمنی‌سازی تعطیل کرد، افزود: برای ایمنی‌سازی معادن باید آنها را تجهیز کرد و این اقدام نیازی به تعطیلی معادن ندارد. برای تجهیز این معادن نیز باید بازرسی دقیق از معادن انجام بگیرد. البته تا پیش از این، در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت، بخشی با عنوان «بازرسی معادن» وجود داشت که دولت قبل در حوزه معدن مشغول به کار هستند که داشت، این بخش را تعطیل کرد. در حالی که این بخش برای ایمنی معادن یک بخش ضروری به‌شمار می‌رود.

رشته‌های دانشگاهی باصنعت همخوانی ندارند

حسینقلی در ادامه یادآور شد: یکی از مشکلات عمده ما این است که رشته‌های دانشگاهی در کشور با صنعت همخوانی ندارند. برای نمونه در کشور ۲۵ هزار نفر فارغ‌التحصیل در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زمین‌شناسی داریم که برخی از آنها در حوزه معدن مشغول به کار هستند که تخصص آنها متناسب با معدن نیست و در واقع متناسب برای مرحله شناسایی و اکتشاف معدن است. علاوه بر این باید این موضوع را در نظر داشت که در کشور ۱۲ هزار و ۵۰۰ معدن وجود دارد که به دلیل حقوق معدنی بالا و مسائل محیط‌زیستی ۵ هزار و ۵۰۰ معدن مشغول به کار که از این تعداد نیز ۴ هزار معدن، معادن شن و ماسه و سنگ‌های ساختمانی هستند و حدود HSE وجود دارد که تخصص و رشته تحصیلی آنها مرتبط با این بخش نیست و در حقیقت این نظام مهندسی و دولت است که به اجبار آنها را به معادن تحمیل می‌کند. در حالی که باید شرکت‌های متخصص برای نظارت بر معادن ایجاد شوند و معادن براسای HSE خود این شرکت‌ها را استخدام کنند.

ایمنی معادن

روباز که قوانین

آسان‌تری نسبت

به معادن زیرزمینی

دارد هم به تحریم‌ها

وابسته شده است و

برای افزایش ایمنی

معادن هزینه‌های

غیرمنطقی روی

دست شرکت

معدنی می‌گذارد

عدم توان معادن

در تجهیز معدنکاران

و معدن به وسایل

ایمنی و عدم رعایت

ضوابط ایمنی

توسط پرسنل به

دلیل آموزش ندیدن

از عوامل اصلی

حوادث معادن ایران

هستند

در معدن کاری

باستانی از کناری

برای شناسایی

بوی گاز استخراج

شده در معادن

کمک می‌گرفتند.

معمولا گازهای

معادن زغال سنگ

بو ندارد اما کناری

آن را استشمام

می‌کرد و با پر و بال

زدن معدنکاران را از

خطر مطلع می‌کرد

با روندی که

هم‌اکنون درجریان

است احتمالا تا

چند سال آینده

درخواست نیروی

کار برای معادن

زیرزمینی به صفر

برسد

سیاست واگذاری

معادن به شکلی

جلو رفت که افراد

غیرمتخصص هم

وارد صنعت معدن

شدند، این روند در

دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی

اوج گرفت و نتیجه‌ی

اینگونه واگذاری

هم‌اکنون درحال

بروز است

چرا سهم صنعت نساجی در بازار داخلی و خارجی در حال آب رفتن است؟

دولت، سناریونویسِ ناتوانی

صنعت نساجی

مینو وکیل‌نژاد: عملکرد صنعت نساجی درحالی افت کرده است که باوجود شرایط سخت، بسیاری از واحدهای صنعتی فعالیت خود را برای رقابت تنه به تنه ادامه می‌دهند. نساجی از صنایع باستانی ایران است که در دوران شکوفایی صنایع توانست جایگاهش را در بین صنایع اصلی آن روزگار حفظ کند. با وقوع انقلاب و مصادره کارخانه‌های بخش خصوصی بسیاری از فعالان این حوزه از کشور خارج شدند و عملاً زمین صنعت نساجی بدون بازیکنان حرفه‌ای خالی ماند. با این حال پس از مدتی دوباره توان خود را پیدا کرد اما فعالان صنعت نساجی می‌گویند بار دیگر سهم این صنعت درحال کوچک شدن است. ورود حجم زیادی از نخ و پارچه ارزان چینی عملاً بازار داخلی را پرورده است و عدم ورود ماشین‌آلات به روز باعث شده توان رقابتی در بازارهای جهانی نیز از بین برود.

صنعتی باکارنامه قابل قبول

بررسی‌های اتاق بازرگانی از سهم صنعت نساجی نشان می‌دهد که در پازل صنایع کشور، سهم آن از ۲۵٫۵ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۴٫۸ درصد در ۱۳۹۸ رسیده است. سهمی که به سبب ورود بی‌رویه محصولات قاچاق و کاهش تقاضای داخلی آب رفته است. البته فعالان، افزایش قیمت تمام شده محصول و تضعیف توان رقابتی تولیدکننده‌ها در بازار را از دلایل دیگر کوچک شدن سهم صنعت نساجی می‌دانند. این درحالی است که باتوجه به اینکه در برخی از واحدهای فعال این صنعت زیر ۱۰ نفر کار می‌کنند، از نظر خلق ارزش آفرینی نسبت به دیگر صنایع کارنامه قابل قبول‌تری دارد.

ناترزای در حلقه‌های تولید زنجیره نساجی کشور از دیگر مسائلی است که سد راه این صنعت شده است. باوجود کاهش تقاضا اما میزان واردات مواد اولیه صنعت نساجی افت نکرده است که این امر بزرگترین نشانه برای عدم توان در زنجیره تولید صنعت نساجی است. ضریب وابستگی به واردات در حلقه‌های ابتدایی زنجیره نساجی بیشتر است که متاثر از نوسانات جهانی است ولی از تصمیمات نابه‌هنگام و غیرکارشناسی سیاست‌گذاران داخلی نیز نمی‌توان چشم پوشید.

پارچه‌های قاتل قاچاق

مجتبی دستمالچیان رئیس اتاق بازرگانی یزد مشکل اصلی صنعت نساجی را قاچاق بی‌رویه نخ و پارچه می‌داند که به صنعت نساجی تبدیل شده است. به گفته او، پیش از این پارچه از طریق قاچاق به کشور وارد می‌شد که عملاً امکان رقابت برای تولیدکننده را سلب می‌کرد. هم‌اکنون هم این امر صورت می‌گیرد اما به‌نوعی قانونی شده است. درواقع به‌صورت بی‌رویه پارچه‌هایی به کشور وارد می‌شود که قیمت تمام شده و واقعی آن مشخص نیست که بتوان عوارض گمرکی آن را به‌دست آورد و به نوعی با بدابطهارى واردات آن صورت می‌گیرد. در نتیجه بازار مملوء از پارچه‌های قاچاق ارزان قیمت می‌شود و طبیعی است که در این شرایط اقتصادی قیمت ارزان این پارچه‌ها برای بنگاه‌های تولیدی جذاب باشد.

دستمالچیان می‌افزاید: انجمن نساجی پیگیری‌های زیادی در این خصوص انجام داده است. برای مثال پیشنهاد شد ارز واردات پارچه که مبلغ قابل‌توجهی هم است را به بازسازی و نوسازی صنعت نساجی اختصاص دهند که متأسفانه قدمی در این رابطه برداشته نشد. آمارها نشان می‌دهد در ۶ ماهه ابتدایی امسال از نظر وزنی واردات پارچه ۲۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است و فقط یک شرکت در سال جاری نزدیک به ۸۰ میلیون دلار ارز برای واردات پارچه دریافت کرده است.

به گفته او، در بخش واردات ماشین‌آلات نساجی شاید بتوان گفت به دلیل تحریم‌ها کار زیادی از دست دولت برنمی‌آید اما نمی‌توان انگشت اتهام را به سوی دولت نگرفت. بحث ثبت سفارش و تخصیص ارز در اختیار دولت است اما هیچ اقدامی درخصوص تسهیل واردات ماشین‌آلات انجام نمی‌دهد. این در حالی است که با رقم‌های بالا پارچه‌هایی که توان تولید آن‌ها در داخل وجود دارد را ثبت سفارش می‌کنند اما امکان ثبت سفارش برای واردات ماشین‌آلات وجود ندارد. باید دقت کرد که شرکت‌های واردکننده ارز نیمایی دریافت می‌کنند بنابراین پارچه وارداتی بسیار ارزان‌تر از قیمت تمام شده پارچه داخلی است. در چنین شرایطی تولیدکننده داخلی امکان رقابت نخواهد داشت.

رئیس اتاق بازرگانی استان یزد درباره تقاضای بازار داخلی نیز می‌گوید: آمار دقیقی از مصرف پارچه و میزان عرضه برای پاسخگویی به این تقاضا وجود ندارد اما با اطمینان می‌توان گفت که توان تولید ۹۰ درصد پارچه‌های وارداتی در داخل کشور وجود دارد و اگر نوسازی ماشین‌الات انجام شود این توان افزایش می‌یابد. دستمالچیان ادامه می‌دهد: مشکل اصلی صنعت نساجی بحث پارچه است. واردات بی‌رویه پارچه باعث شده زنجیره تولید نساجی با مشکل مواجه شود. این درحالی است که با مدیریت ثبت سفارش و واردات یا تغییر ارز واردات از ارز نیمایی به ارز حاصل از صادرات، می‌توان توان واحدهای نساجی داخلی را بالا برد.

چمبره مافیا بر نساجی

محسن نیکزاد عضو هیئت مدیره انجمن تخصصی نساجی یزد نیز درباره دلایل افول صنعت نساجی کشور به «صنعت یزد» می‌گوید: صنعت نساجی جزو صنایع بزرگ کشور بود. با وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از کارخانه‌های نساجی کشور به نفع دولت مصادره شد و مالکیت و

سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۳ ■ شماره ۱۸۹ ■ ۴

۵ ■ سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۳ ■ شماره ۱۸۹

جای خالی مدیریت سیستمی

علیرضا فرخ‌نیا عضو انجمن تخصصی نساجی استان یزد است، به اعتقاد او، عدم وجود مدیریت صحیح باعث نه تنها صنعت نساجی بلکه دیگر صنایع کشور با بحران مواجه شوند: «دنیای امروز با تفکر سیستمی



اداره می‌شود. در این نوع تفکر تاثیر شاخص‌های مختلف بر یکدیگر سنجیده می‌شود. متأسفانه مدیران کشور پیش از تعریف نوع نگاه سیستمی، درگیر عملیات می‌شوند این درحالی است که پیش از هرگونه برنامه عملیاتی باید حوزه مورد نیاز را بررسی کنند و سپس استراتژی مناسب تعریف و پیاده شود.

فرخ‌نیا با اشاره به تصمیمات خلق‌الساعه اقتصادی دولت گفت: عدم وجود نگاه کامل و سیستمی باعث شده تصمیماتی اتخاذ شود که صرفاً برای مدیریت لحظه‌ای مناسب است. برای مثال اگر رونق بازار از دست رفته است تصمیماتی مانند اعمال عوارض واردات یا صادرات و همچنین محدودیت برای فعالان اقتصادی تعریف می‌شود که شاید در همان برهه کارآمد باشد، اما ریشه بسیاری از مشکلات در آینده خواهد بود. همه بخش‌های کشور از محیط زیست تا انرژی و صنایع، درگیر عدم وجود نگاه سیستمی شدند و به همین دلیل عملاً بحران در همه بخش‌های اقتصاد ریشه دوانده است.

او افزود: بسیاری از صنعتگران دولت را متهم به نداشتن نگاه سیستمی می‌کنند این در حالی است که تصمیمات خودشان هم خلق‌الساعه است. باتوجه به وضعیت بازار تصمیم می‌گیرند واردات و صادرات خود را بالا و پایین کنند یا به گونه‌ای عمل کنند که سود همان وضعیت بازار را به‌دست آورند، بدون اینکه به تبعات آنی این کنش‌ها فکر کنند. برای مثال در همین یک سال گذشته تصمیمات غلطی مانند افزایش واردات نخ و پارچه به جای ماشین‌آلات نساجی باعث شده صنعتی که همیشه با تمرکز بر پیش‌فروش فعالیت می‌کرد اکنون با رکود مواجه شود زیرا باتوجه به قیمت تمام شده کالای ایرانی و ارزانی کالای چینی، تولیدکننده توان رقابتی خود برای حضور در بازار را از دست داده است. فرخ‌نیا درباره عدم مشارکت دولت در حل مشکلات

■ انجمن نساجی

پیشنهاد داد ارز

و واردات پارچه که

مبلغ قابل‌توجهی

هم است را به

بازسازی و نوسازی

صنعت نساجی

اختصاص دهند که

متأسفانه قدمی در

این رابطه برداشته

نشد

■ دولت با رقم‌های

بالا پارچه‌هایی که

توان تولید آن‌ها در

داخل وجود دارد

راثبت سفارش

می‌کند اما امکان ثبت

سفارش برای واردات

ماشین‌آلات وجود

ندارد

■ با اطمینان می‌توان

گفت که توان تولید

۹۰درصد پارچه‌های

وارداتی در داخل

کشور وجود دارد

و اگر نوسازی

ماشین‌الات انجام

شود این توان افزایش

می‌یابد

■ شرایط و

سیاست‌های

اقتصادی کشور در

رونق نگرفتن نسل

تازه‌کارخانه‌های

نساجی تاثیر

عمده‌ای داشته،

باتوجه به مشکلاتی

که تحریم‌ها برای

بازرگانی کالای

ایرانی ایجاد کرده،

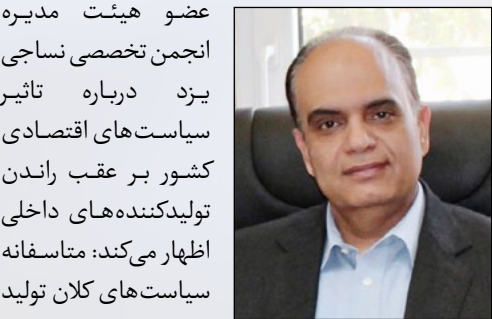
توان شرکت‌های

تولیدی گرفته

شده است

و قیمت تمام شده‌ی کالا، روی عرضه در بازار داخلی هم اثر گذاشته است. همین عامل باعث شده که پارچه‌های چینی رقیب جدی محصولات ایرانی در بازار داخلی باشد.

طبیعی است که شرکت‌های ایرانی، پارچه ارزان چینی را به پارچه ایرانی ترجیح دهد ولو یک هزار تومان ارزان‌تر باشد. اگر هم تولیدکننده داخلی قیمت کالای خود را در حد کالای چینی پایین بیاورد عملاً توانی برای ادامه نمی‌ماند زیرا در حال حاضر همه تولیدکنندگان با کم‌ترین حاشیه سود در حال فعالیت هستند.



عضو هیئت مدیره انجمن تخصصی نساجی یزد درباره تاثیر سیاست‌های اقتصادی کشور بر عقب راندن تولیدکننده‌های داخلی اظهار می‌کند: متأسفانه سیاست‌های کلان تولید و تجارت براساس منافع

تولیدکننده‌های داخلی تعریف نمی‌شود. برای مثال در سال گذشته ارز نیمایی برای واردات پارچه تخصیص داده شد اما برای واردات ماشین‌آلات نساجی چنین راهکاری تعریف نشده بود. در چنین شرایطی تولیدکننده داخلی چگونه می‌تواند فعالیت کند؟ وقتی تنها در یک سال ۸۰۰ میلیون دلار برای واردات پارچه اختصاص داده می‌شود و تنها ۲۰۰ میلیون دلار برای ماشین‌آلات نساجی

از هزینه می‌شود چگونه می‌توان با غول چین در بازار داخلی رقابت کرد؟ چه برسد به اینکه تولیدکننده‌ها توان رقابت در بازار جهانی را داشته باشند. نیکزاد در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون دولت محدودیتی برای واردات پارچه‌هایی که توان تولیدی آن در کشور وجود دارد اعمال کرده است؟ می‌گوید: متأسفانه تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. به نظر من یک مافیای قوی پشت کار است زیرا هرجا رانت زیادی وجود داشته باشد مافیای هم حضور دارد. واردات پارچه ارزان

چینی با ارز نیمایی و فروش به قیمت ارز آزاد رانت زیادی ایجاد می‌کند که برای هر مافیایی جذاب خواهد بود. این درحالی است که تولیدکننده ایرانی توان تولید ۹۰ درصد پارچه‌های وارداتی چه از نظر کیفیت و چه از نظر حجم تولید را دارد اما توان مافیای واردات آندقر قوی است که صدای تولیدکننده به گوش کسی نمی‌رسد.

دیدگاه حمایتی از صنایع داخلی وجود ندارد

او با اشاره به چالش تامین مواد اولیه کارخانه‌های نساجی عنوان می‌کند: شرایط تولیدکننده‌ها در بخش تامین مواد اولیه هم مثل بخش بازرگانی است. کارخانه‌های نخ باوجود اینکه مواد اولیه خود را با اعمال یارانه دولتی از شرکت‌های پتروشیمی دریافت می‌کنند و ارز نیمایی هم برای واردات در اختیار دارند، نخ را به قیمت ارز آزاد به کارخانه‌های تولید پارچه می‌فروشند. این درحالی است که انرژی ارزانی هم در مصرف می‌کنند و عملاً قیمت تمام شده نخ می‌تواند بسیار پایین‌تر از نرخ کنونی باشد. به گفته نیکزاد کارخانه‌های نساجی از دو سو تحت فشار قرار دارند: «شرکت‌های تولید پارچه، هم در بخش تولید با قیمت بالای مواد اولیه روبه‌رو هستند و هم در بخش فروش باید با پارچه‌های ارزان چینی رقابت کنند. وقتی حمایتی وجود ندارد و قیمت تمام شده پارچه ایرانی گران تمام می‌شود چگونه می‌توان وارد رقابت در بازار شد.»

نیکزاد راهکار تسهیل فعالیت واحدهای نساجی را حمایت دولت می‌داند: «تعریف سیاست‌های کارشناسی و حمایت دولت از تولیدکننده‌ها توان صنعت نساجی را بازمی‌گرداند. دو سال پیش اولین نمایشگاه پارچه ترکیه برگزار شد. چینی‌ها یک سالن اجاره کرده بودند و حضور فعالی داشتند. قیمت‌های محصولات هم حدود ۴۰ درصد کمتر از کالای ترکی بود و در آن نمایشگاه شرکت‌های چینی عمده تقاضا را پاسخ دادند. دولت ترکیه عوارض واردات پارچه چینی را افزایش داد و کاهش عوارض صادراتی تولیدکننده‌های پارچه را اعمال کرد. از آن طرف در رویداد سال گذشته، شرکت نمایشگاهی به شرکت‌های چینی اجازه حضور در نمایشگاه را نداد. رفتار دولت ترکیه یک رفتار حمایتی است که عملاً توان تولیدکننده‌های داخلی را بالا می‌برد. همین نوع حمایت‌های معمولی می‌تواند توان صنعت نساجی ایران را برگرداند. اما متأسفانه چنین دیدگاه حمایتی از صنایع داخلی وجود ندارد.»

^[1] مینو وکیل‌نژاد: عملکرد صنعت نساجی درحالی افت کرده است که باوجود شرایط سخت، بسیاری از واحدهای صنعتی فعالیت خود را برای رقابت تنه به تنه ادامه می‌دهند

^[2] مینو وکیل‌نژاد: عملکرد صنعت نساجی درحالی افت کرده است که باوجود شرایط سخت، بسیاری از واحدهای صنعتی فعالیت خود را برای رقابت تنه به تنه ادامه می‌دهند

Mojtaba Dastmalchian

Head of Yazd Chamber of Commerce

There is no complete statistics of fabric consumption, so the amount of supply to meet this demand, but it can be said with confidence, %90 of imported fabrics can be produced inside the country and if the machinery is renovated, this power will increase. The main problem of the textile industry is the issue of fabric. The excessive import of fabric has caused problems in the textile production chain. This is while managing the registration of orders and imports or changing the import currency from semi-currency to export, it is possible to increase the capacity of domestic textile units.

MohammadHosein Dehghani

CEO of Bafaqh Mining Company (Koshk Mine)

There are two main factors of mines' inability to equip miners and mines with safety equipment and non-observance of safety regulations by personnel due to lack of training are the main causes of accidents in Iran's mines. With the current process, the labor demand for underground mines will probably reach zero in the next few years: "Until now, workers were trained in schools for work in mines, but unfortunately these schools were closed, and people who enter the mining market have only received theoretical training." Therefore, the personnel enter the mine without sufficient practical knowledge, and this, along with the lack of equipping the mines, causes accidents like the Tabas mine.

MohammadAmin Taghebaf

Safety manager of Shahdab Industrial and Mining Company

The thing that has caused mining accidents in other countries to be minimized is the substitution of technology instead of people. Based on the research, the human factor is the main cause of mining accidents. Therefore, by substituting self-driving machines instead of human agents, they managed to minimize the damage caused by mining accidents. With the plan that they define for the machines, the loading and unloading sections practically work automatically, and by removing the human factor, the damage of accidents has been minimized.

Jafar Rahmani

Vice President of Statistics and Planning of Provincial Management and Planning Organization

The productive Yazd plan was announced in 1402 in the meeting of the government board and Yazd was proposed as a pilot of productivity in the country. In this regard, 12 productivity driving projects based on water and energy (as the most important challenges of inefficiency in the province) were defined that all the proposals were approved by the National Productivity Organization and entered the implementation phase. According to this program, the real price of energy and water carriers became the basis of all calculations of productivity projects. The positive point of this plan is that the financing of the projects is not related to the government and is provided by the private sector investor who wants to invest in the energy and water sector.

Mohsen Nikzad

Member of Directors of Yazd Textile Specialized Association

The increase in the cost of production and the finished price of goods has also affected the supply in the domestic market. This issue has made Chinese fabrics a serious competitor of Iranian products in the domestic market. It is natural for Iranian companies to prefer cheap Chinese fabric to Iranian fabric, even if it is one thousand tomans cheaper. If the domestic producer lowers the price of her product to the level of the Chinese product, they will not be able to continue because currently all the producers are operating with the lowest profit margin.

Ali Farshadpoor

Chairman of Internal Trade and Import Commission of the Chamber of Commerce

The policies regarding the return of foreign currency from exports are not correct. Determining the rate on the issuing currency has taken it out of the regulatory mode and given it a mandated mode. The Wrong rules have also created problems for the producer who has to return the currency after 4 months. All this while the currency policy has not yet been agreed upon. As a private sector, we insist on a single-rate currency policy so that the pressure on the central bank is removed. Many factories could not fulfill the obligation and it has caused many problems; The end of this policy is that the production structure falls apart.

Alireza Frokhnia

Safety Manager of Shahdab Yazd Industrial and Mining Company

The lack of proper management has caused not only the textile industry but also other industries of the country to face crisis. Today the world is governed by systems thinking. In this type of thinking, the impact of different indicators on each other is measured. Unfortunately, the managers of the country get involved in operations before defining the type of systemic view. This is while before any operational plan, they should check the required area and then define and implement the appropriate strategy. The lack of a complete and systematic view has also caused decisions to be made that are only suitable for momentary management. For example, if the prosperity of the market is lost, decisions such as the imposition of import or export duties as well as restrictions for economic operators are defined, which may be efficient at the same time, but will be the root of many problems in the future.